

استثنائات حرمت ربا در فقه اسلامی

□ محمدعیسی دانش *

چکیده

تحقیق پیش رو تحلیل و بررسی پیرامون عدم حرمت ربا در مواردی است که بر اساس روایات متعدده از منابع روایی در باره عدم حرمت ربا در موارد خاصی وارد شده به این معنا که گرچه حرمت ربا از ضروریات دین مبین اسلام به شمار می رود آیات و روایات زیادی هم در این مورد وارد شده مثلا اگر کسی پولی قرض بدهد بعد از اتمام مدت قرض اگر شخص قرض دهنده اصل مبلغ را با زیاده بر گرداند مصداق ربا بوده و حرام است؛ ولی بر اساس برخی روایات وارد شده چند مورد از حرمت ربا استثنا شده به این معنی که اگر قرض دهنده علاوه بر دریافت اصل مبلغ قرض داده شده اگر پول اضافی دریافت کند، نیز جایز است که عبارت است از:

۱. ربای بین پدر و فرزند. ۲. ربای بین زن و شوهر. ۳. ربای بین مسلمان و کافر حربی. ۴. ربای بین عبد و مولی. لذا ما در این تحقیق به بررسی، تحلیل و علل و عوامل خروج و یا به تعبیر بهتر علل و عوامل عدم حرمت ربا در این موارد پرداخته ایم که آیا عدم حرمت ربا در موارد فوق الذکر از باب تخصیص است، تخصص است ورود است و یا این خروج و یا عدم حرمت ربا از باب حکومت هست؟.

بنابراین در این تحقیق در ابتدا حرمت ربا به ادله اربعه ثابت شده و سپس استثنائات ربا یعنی مواردی که از تحت حرمت ربا خارج شده مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.
واژگان کلیدی: ربا، تخصیص، تخصص، حکومت، ورود.

بیان مسئله

یکی از مسائل بسیار مهم که میان اقتصاد دانان اسلامی بلکه میان اقتصاد دانان جهان مطرح هست و در فقه اسلامی و یا به عبارت دیگر در مباحث فقهی در اسلام نیز مطرح شده و مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته مسئله ربا هست و این که بر اساس آیات و روایات و هم چنین اجماع فقه‌های اسلامی حرمت ربا در دین اسلام جزء ضروریات آن بوده و مورد اتفاق علما و فقه‌های فریقین قرار گرفته برای این که در این مورد دو نظریه وجود دارد:

یک نظریه این است که گرفتن ربا مشکلی ندارد که طرفداران این نظریه بیشتر بین ادیان غیر اسلامی یافت می‌شود که اینها موافق اخذ ربا هستند.

ولی نظر دیگر که بیشتر و تقریباً بالاتفاق در اسلام مطرح هست این است که گرفتن زیادی علاوه بر برگرداندن اصل مال مصداق ربای حرام است.

اما در همین ربایی که حرمتش در اسلام اظهر من الشمس هست، بر اساس روایات وارده استثنائاتی نیز وجود دارد یعنی مواردی هم وجود دارد که از حرمت ربا استثنا شده یعنی با وجود این که ظاهراً مصداق عموم حرمت ربا هست و ربا صدق می‌کند ولی بر اساس روایات وارده حکم حرمت بر آن مترتب نیست مثل ربا بین پدر و فرزند، ربای بین زن و شوهر و هم چنین ربا گرفتن مسلمانان از کفاری که در پناه اسلام نیستند و ربای بین عبد و مولی!

مفهوم شناسی ربا

ربا در لغت به معنای زیادت و افزایش و سود یا ربحی است که قرض دهنده از قرض گیرنده در یافت می‌کند. (مطهری، ربا، بانک، بیمه، صص ۴۳-۴۴).

علامه دهخدا در تعریف ربا دارد که: ربا یعنی سود و زیاده گرفتن در وام و بیع. و هم چنین ایشان دارد که: ربا یعنی زیاد گرفتن از آنچه قرض گرفته شده و در جای دیگر دارد که: ربا یعنی معاوضه یکی از دو جنس متمائل مکیل و موزون به دیگری با زیادت در یکی از آن دو یا اقتراض مالی با تعهد به پرداخت چیزی بیش از مقدار قرض شده. به قول شاعر:

تا یک دهی به خلق دو خواهی ز حق جزا آن را ربا شمر که شمردی عطای خویش.

(لغتنامه دهخدا، کلمه ربا)

درحقیقت در این تعریفی که علامه دهخدا از ربا نموده هم شامل ربای قرضی می‌شود و هم شامل ربای معاملی، به این معنی که ما در واقع در اسلام دو نوع ربای حرام داریم:

۱. ربای قرضی به این معنی است که وقت کسی پولی قرض می‌دهد شرط کند که پولش را با زیاده چه آن زیاده هم پول باشد و یا جنس دیگر به قرض دهنده برگرداند که در فقه اسلامی به این عمل می‌گویند ربای قرضی.

۲. ربای معاملی هست که در ربای معاملی شرطش این است که جنس مورد معامله مکمل و موزون باشد که در عقد قرار داد و معامله یکی از طرفین معامله شرط کند که در مقابل جنسی که تحویل می‌دهد از همان جنس مقدار بیشتری باید دریافت نماید که از منظر فقه اسلامی به این نوع معامله ربای معاملی گفته می‌شود.

کلمه ربا در قرآن نیز در موارد و آیات متعددی بکار رفته است و در واقع می‌شود گفت که کلمه ربا ریشه قرآنی دارد که به معنای افزون شدن، نشو و نما کردن مال است لذا اعراب وقتی چیزی و یا مالی افزایش پیدا می‌کند و یا رشد و نمو دارد می‌گویند: (ربا الشیء یا ربا المال) (بخش فرهنگی جامعه مدرسین قم، پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا، ص. ۹۵).

البته رایج ترین نوع ربایی که در جوامع مختلف بشری از گذشته تا حال وجود داشته و وجود دارد، ربای قرضی هست یعنی افراد برای تأمین نیازهای مالی و یا سایر نیازهای مصرفی زندگیشان از فرد دیگر قرض می‌گیرند و در ضمن شرط می‌کنند که موقع برگرداندن، پول قرض را با زیاده پرداخت کنند؛ حالا این زیاده هرچه می‌خواهد باشد به این معنی که ممکن است زمان پرداخت، پول اضافی باشد و یا جنسی و کالایی غیر از پول و یا حتی عملی و کاری هم می‌تواند باشد که این مصداق ربای قرضی هست.

در تعریف دیگری از ربای قرضی آمده است: کلّ قرض یجرّ نفعاً فهو ربا. یعنی هر قرضی که منفعتی را جلب کند ربا و حرام است. (بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج، ۱۸، ص ۳۳۶). اما عموم مذکور به وسیله روایات تخصیص خورده و حکم حرمت فقط قرضی را که در آن شرط زیاده شده باشد را شامل می‌شود. و در صورت عدم شرط برگرداندن اصل با زیاده از باب

احسان به قرض دهنده است و حرام نیست. همچنین لزومی ندارد منفعت از جنس همان چیزی باشد که قرض داده شده است بلکه هر آنچه را که منفعت تلقی شود، شامل می‌شود. (عابدینی، ربا در حالت تورم و سقوط پول، ص. ۲۷۶).

دله حرمت ربا

برای حرمت ربا به اتفاق فریقین یعنی طبق مذهب شیعه و سنی ادله اربعه اقامه گردیده؛ که عبارت است از: قرآن، روایات، دلیل عقلی و اجماع علمای اهل سنت و شیعه؛ که ما به جهت رعایت اختصار از هر دلیل یکی دو نمونه بیشتر ذکر نمی‌کنیم.

۱. حرمت ربا از منظر قرآن کریم

در رابطه به حرمت ربا آیات متعددی دال بر حرمت ربا آمده است که ما به چند آیه بطور اختصار اشاره می‌کنیم:

۱. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تُبْشِرُوا فَلَکُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ** (بقره/ ۲۷۹ و ۲۷۸). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید، و اگر ایمان آورده‌اید، از ربا هر چه باقی مانده است رها کنید. و هر گاه چنین نکنید، پس جنگ با خدا و رسول او را اعلام کنید. و اگر توبه کنید، اصل سرمایه از آن شماست. در این حال نه ستم کرده‌اید و نه تن به ستم داده‌اید.

در این دو آیه کریمه در ابتدا خداوند متعال دستور به ترک ربا خواری می‌دهد؛ سپس هشدار داده است که اگر دست از ربا خواری برندارید در واقع اعلام جنگ با خداوند و رسولش نموده‌اید. و دیگر این که ربا خواری مصداق ظلم هست و ظلم ذاتا قبیح شمرده شده است.

نتیجه که از این دو آیه کریمه به دست می‌آید این است که به دو دلیل ربا خواری حرام است:

۱. اینکه ربا خواری اعلام جنگ با خدا و رسول است که این کار قطعاً حرام است و ۲. این که ربا خواری خودش ظلم محسوب می‌شود و در قبح ذاتی ظلم و حرمت آن هم که هیچ شکی وجود ندارد.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

(آل عمران/۱۳۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا مخورید به افزودنهای پی در پی. و از خدای بترسید تا رستگار شوید.

در حقیقت و بنا به تعبیر تفسیر نمونه، در این آیه اشاره به تحریم ربای فاحش شده و با تعبیر "اضعافا مضاعفه" بیان گردیده است. منظور از ربای فاحش این است که سرمایه به شکل تصاعدی در مسیر ربا سیر کند یعنی سود در مرحله نخستین با اصل سرمایه ضمیمه شود و مجموعاً مورد ربا قرار گیرند، و به همین ترتیب در هر مرحله، "سود به اضافه سرمایه"، سرمایه جدیدی را تشکیل دهد، و به این ترتیب در مدت کمی از راه تراکم سود مجموع بدهی بدهکار بچندین برابر اصل بدهی افزایش یابد و به کلی از زندگی ساقط گردد.

به طوری که از روایات و تواریخ استفاده می‌شود در زمان جاهلیت معمول بود که اگر بدهکار در راس مدت نمی‌توانست بدهی خود را بپردازد از طلبکار تقاضا می‌کرد که مجموع سود و اصل بدهی را به شکل سرمایه جدیدی به او قرض بدهد و سود آن را بگیرد!، در عصر ما نیز در میان رباخواران این رباخواری بسیار ظالمانه فراوان است. (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۸۸)

۳. وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. (نساء/۱۶۱) و نیز به سبب رباخواریشان و حال آنکه از آن منع شده بودند، و خوردن اموال مردم را به باطل. و ما برای کافرانیشان عذابی دردآور مهیا کرده‌ایم.

در این آیه از قرآن کریم خداوند متعال یکی دیگر از خلافها و اعمال ناشایستی را که یهودیان مرتکب شده اند بیان می‌کند و می‌فرماید آنها یعنی یهودیان علاوه بر ظلم و ستمی که بر مردم روا میداشتند و مردم را از راه خدا باز می‌داشتند، خیلی از چیزهایی را که ما حلال کرده بودیم حرام اعلام کردند، علاوه بر اینها ربا خواری نیز می‌نمودند در عین حالی که آنها از ربا خواری منع شده بودند و به این نکته مهم نیز توجه داده که ربا خواری در حقیقت اکل مال به باطل است و کسانی که چنین کنند دچار عذاب دردناک الهی خواهند شد.

نکته که از این آیه استفاده می‌شود این است که تحریم ربا مخصوص دین اسلام نبوده بلکه در ادیان الهی از جمله دین یهود که یکی از ادیان توحیدی هست نیز وجود داشته!

۴. وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيُرِيُوْا فِيْ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرِيُوْا عِنْدَ اللّٰهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ

تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ. (روم/۳۹) مالی که به ربا می‌دهید تا در

اموال مردم افزون شود، نزد خدا هیچ افزون نمی‌شود و مالی که برای خشنودی خدا از بابت زکات می‌پردازید، کسانی که چنین کنند پاداش مضاعف دارند.

نکته که در این آیه وجود دارد این است که دو نوع تفسیر برای این آیه کریمه شده است:

یک تفسیر این است که طبق گفته تفسیر نمونه، مراد از ربا، در این آیه همان "هدیه و عطیه" است و منظور از جمله "لِيرُبُّوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ" گرفتن پاداش بیشتر از مردم است.

بدون شك گرفتن چنین پاداشی حرام نیست، چون شرط و قراردادی در کار نبوده، ولی فاقد ارزش معنوی و اخلاقی است، و لذا در روایات متعددی که از امام صادق علیه السلام در منابع معروف حدیث آمده است از آن به "ربای حلال" تعبیر شده است، در مقابل "ربای حرام" که در آن شرط و قراردادی گذارده می‌شود.

در حدیثی که در کتاب "تهذیب الاحکام" از امام صادق ع در تفسیر آیه فوق نقل شده چنین

می‌خوانیم:

هو هديتك الى الرجل تطلب منه الثواب افضل منها فذلك ربا يؤكل:

"منظور هدیه‌ای است که به دیگری می‌پردازی و هدفت این است که بیشتر از آن پاداش

دهد این ربا حلال است."

در حدیث دیگری از همان امام علیه السلام می‌خوانیم:

الرباء، ربانان احدهما حلال، و الآخر حرام فاما الحلال فهو ان يقرض الرجل اخاه قرضاً يريد ان يزيده و يعوضه باكثر مما ياخذ به شرط بينهما، فان اعطاه اكثر مما اخذه على غير شرط بينهما فهو مباح له و ليس له عند الله ثواب فيما اقرضه، و هو قوله فلا يرُبُّوا عند الله، و اما الحرام فالرجل يقرض قرضاً و يشترط ان يرد اكثر مما اخذه فهذا هو الحرام:

ربا بر دو گونه است: یکی حلال و دیگری حرام، اما ربا حلال آن است که انسان به برادر مسلمانش قرضی دهد به این امید که او به هنگام باز پس دادن چیزی بر آن بیفزاید بی آنکه شرطی در میان این دو باشد، در این صورت اگر شخص وام گیرنده چیزی بیشتر به او بدهد - بی آنکه شرط کرده باشد - این افزایش برای او حلال است، ولی ثوابی از قرض دادن خود

نخواهد برد، و این همان است که قرآن در جمله "فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ" بیان کرده. اما ربای حرام آن است که انسان قرضی به دیگری بدهد و شرط کند که بیش از آنچه وام گرفته به او باز پس گرداند این ربای حرام است. (تفسیر نور الثقلین ج ۴ صفحه ۱۹۰).

تفسیر دیگری که برای آیه ذکر کرده اند این است که منظور ربای حرام است و در حقیقت طبق این تفسیر، قرآن می خواهد ربا را با انفاقهای خالصانه مقایسه کند و بگوید ربا گرچه ظاهراً افزایش مال است، اما نزد پروردگار افزایش نیست، افزایش واقعی در انفاق فی سبیل الله است. (تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۴۴۶).

۲. حرمت ربا در روایات

روایات متعددی در باره تحریم ربا از لسان ائمه معصومین (علیهم السلام) وارد گردیده که ما به جهت رعایت اختصار به چند روایت بسنده می کنیم!

۱. ابن ابی عمیر عن هشام بن سالم، عن ابی عبد الله عليه السلام قال درهم ربا، عند الله اشد من سبعین زنیت کلها بذات محرم. (وسائل الشیعه (طبع آل البيت) ج ۱۸، ص ۱۲۳).

مرحوم کلینی از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم، از امام صادق عليه السلام روایت می کند که حضرتش فرمود: یک درهم ربا نزد خداوند بدتر است از هفتاد مرتبه زنای با محارم.

۲. محمد بن علی بن الحسین باسناده عن هشام بن الحکم أنه سأل أبا عبد الله (عليه السلام) عن علة تحريم الربا، فقال: انه لو كان الربا حلالا لترك الناس التجارات وما يحتاجون إليه فحرم الله الربا لتنفّر الناس من الحرام إلى الحلال وإلى التجارات من البيع والشراء! (همان، ص ۱۲۰).

در این روایت هشام از امام صادق عليه السلام از علت تحریم ربا سوال می کند، حضرت در جواب می فرماید: اگر ربا حلال باشد مردم کسب و کار و تجارت را رها نموده به ربا خواری روی می آورند لذا خداوند ربا را حرام نمود تا مردم از کار و کسب حرام بسوی تجارت و بیع و شرا که یک امر حلالی هست روی آورند.

۳. اجماع علما و فقهای فریقین نسبت به حرمت ربا

دلیل سوم بر حرمت ربا اجماع تمامی علمای اسلام و فقهای شیعه و سنی هست که ما برای

رعایت اختصار فقط به نظر دوتن از فقها می پردازیم:

۱. صاحب جواهر در کتاب پرارزش خود یعنی جواهر الکلام - که هیچ فقیهی بی نیاز از آن نیست - می فرماید:

الفصل السابع فی الربا المحرم کتاباً و سنّةً و اجماعاً من المؤمنین بل المسلمین بل لا یبعد
کونه من ضروریات الدین فیدخل مستحلّه فی سلك الکافرین.
ربا از نظر قرآن، احادیث معصومین علیهم السلام و اجماع شیعیان بلکه تمام مسلمانان حرام است؛
بلکه بعید نیست که از ضروریات دین باشد که منکر آن در زمره کافرین باشد. (نجفی، جواهر
الکلام، جلد ۲۳، صفحه ۳۳۳).

۲. ابن قدامه که از فقهای معروف اهل سنت است می گوید:

الربا فی اللّغة هو الزّیادة ... و هو محرم بالکتاب و السنّة و الاجماع ... و اجمعت الامة
على انّ الربا محرم.
ربا در لغت به معنای زیاده است ... و از نظر قرآن و روایات و اجماع، حرام است. (ابن
قدامه المغنی، جلد ۶، صفحه ۵۰).

۴. دلیل عقل بر حرمت ربا

دلیل چهارم برای حرمت ربا، عقل است که در تمام موارد واحکام فقه یکی از ادله اربعه همانا
دلیل عقل است.

برای اثبات حرمت ربا از منظر عقل از ۳ طریق می توان به اثبات مدعا پرداخت:

۱. یکی این که حرمت ربا طبق آیات و روایات وارده مصداق ظلم قرار گرفته و قبح ظلم
هم که از مستقلات عقلیه هست که نیازی به هیچ استدلال دیگر ندارد و یا به عبارت دیگر قبح
ظلم یک امر ذاتی هست و هیچ اندیشمندی در قبح ذاتی آن شکمی به خود راه نداده است فلذا
ربا خواری از منظر عقل چون مصداق ظلم است نیز کاری بسیار زشت و در واقع حرام است.
۲. طریق دیگر این است که ربا خواری در واقع اکل مال به باطل است به این معنی که
کسانی که پول قرض می دهند اگر شرط کنند که هنگام دریافت پولشان مبلغ بیشتری دریافت
کنند در واقع بدون این که کوچک ترین زحمتی کشیده باشند پولهای کلانی به جیب می زند و

چون ربا خواری مصداق بارز اکل مال به باطل است و اکل مال به باطل هم به نص صریح قرآن حرام است لذا ربا خواری نیز عقلاً حرام است زیرا از باب اکل مال به باطل عقلاً امر زشت و قبیحی هست.

۳. طریق سوم هم این است که با رواج ربا خواری در جامعه، همانطوری که در برخی روایات آمده مردم دست از تلاش و کوشش برداشته و به انباشتن سرمایه های باد آورده و کلان از طریق ربا خواری می پردازند و این امر گرچه باعث متمول شدن تعداد اندکی می گردد ولی ضرر و زیانش زیاد است که نه تنها جامعه ای را بلکه کشورها را به ورطه سقوط و از همپاشی می کشاند. لذا گرچه بعضی از کشورهای غیر اسلام به رباخواری دامن زده اند ولی اندیشمندان اقتصادی در سراسر دنیا مخالف رواج ربا و رباخواری هستند. و دلیل این امر چیزی نیست جز پیشرفت و رونق اقتصادی و جلوگیری از رکود بازار کسب و تجارت فلذا ربا علاوه بر این که از منظر شرع حرام است از دیدگاه عقلای عالم که منظور از عقلای عالم در این مورد همان متخصصین امر یعنی اندیشمندان اقتصادی هست که ربا و رباخواری را کار ناپسند و بسیاز زشتی می دانند، لذا عقلاً نیز ربا خواری مورد نکوهش قرار گرفته است.

اما مواردی که از تحت حرمت ربا استثنا شده است

بحث اصلی ما در این تحقیق این است که علاوه بر این که حرمت ربا از ضروریات فقه اسلامی محسوب می شود مع ذلک مواردی هم وجود دارد که بر اساس روایات متعدده و طبق اجماع فقهای اسلامی اخذ ربا و یا به تعبیر دیگر ربا خواری در این موارد شرعاً مجاز دانسته شده و به عبارت دیگر اخذ ربا و رباخواری حلال شمرده شده است که عبارتند از:

۱. ربا بین پدر و فرزند، ۲. ربا بین زن و شوهر. ۳. ربا بین مولی و عبد و ۴. ربای بین مسلمان و کافر غیر ذمی، البته تنها در صورتی که مسلمان از چنین کافری ربا دریافت کند اشکال ندارد نه بالعکس.

۱. عدم حرمت ربا بین پدر و فرزند

اما مورد اول که ربا بین پدر و فرزند باشد به اتفاق علما و فقهای اسلامی اخذ ربا چه از جانب

پدر و چه از جانی فرزند مطلقاً جایز است و هیچ حرمتی شرعی ندارد که ما به نظر تعدادی از فقها در این جا اشاره می‌کنیم:

۱. شهید اول در کتاب فقه‌پیش یعنی لمعه دمشقیه می‌فرماید: لا ربا بین الوالد و ولده. بین پدر و فرزند ربایی نیست. (شهید اول، لمعه دمشقیه، ص ۱۱۷)

۲. مرحوم سید مرتضی می‌فرماید: و مما انفردت به الإمامیة: القول بأنّه لا ربا بین الولد و والده. این نظر منحصر به فقهای امامیه هست که قائلند بر این که بین پدر و فرزند ربایی وجود ندارد یعنی اخذ ربا بین پدر و فرزند حرام نیست. (سید مرتضی، الانتصار، ص ۴۴۱).

۳. مرحوم علامه حلی نیز دارد که: و لا یثبت الرّبا بین الوالد و الولد. حرمت ربا بین پدر و فرزند ثابت نشده است. (محقق حلی، مختصر النافع، فقه الامامیه، ص ۱۲۸).

۴. شهید ثانی نیز می‌فرماید: و لا بین الوالد و ولده فیجوز لکلّ منهما أخذ الفضل علی الأصح، و الأجود اختصاص حکم بالتّسبی مع الأب. (شهید ثانی، الروضة البهیة، محشی: سید محمد کلاتر، ج ۶، ص ۴۳۹).

اما دلیل این امر که چرا بین پدر و فرزند ربایی وجود ندارد و یا به تعبیر دیگر ربا حرام نیست؟ مرحوم شیخ طوسی رحمته الله می‌فرماید: و لا ربا بین الولد و والده، لأنّ مال الولد فی حکم مال الوالد. (شیخ طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص: ۳۷۶)

دلیل این امر این است که: در واقع بین پدر و فرزند تفاوت مالی وجود ندارد یعنی اینکه مال فرزند گویا مال پدر بوده لذا در این گونه موارد حرمتی وجود ندارد و گویا، ایشان برای اثبات ادعای خودشان به این روایت تمسک می‌نمایند که: (انت و مالک لایبک).

بین پدر و فرزند ربایی نیست فلذا هریک از پدر و فرزند می‌توانند از همدیگر علاوه بر اخذ و دریافت پول قرضی مقداری بیشتری هم اخذ کنند.

البته ایشان یعنی شهید ثانی در آخر کلامش به نکته اشاره دارد که عبارت از این است که حکم عدم حرمت ربا، به طور مطلق نیست یعنی بین هر پدر و فرزندی ربا جایز نیست بلکه مقید است به این معنی که اخذ ربا فقط بین پدر و فرزند نسبی هست نه رضاعی و این را بهترین قول می‌داند.

اما دلیل اصلی تمام فقهای شیعه در حرمت ربا تعبدی بوده و با توجه به روایات وارده در

این مورد حکم به عدم حرمت ربا بین پدر و فرزند داده اند. که ما به چند روایت اشاره می‌کنیم: البته در جواز اخذ ربا در این مورد و مواردی که بعداً ذکر خواهیم نمود ادعای اجماع نیز شده که با توجه به این که این اجماع مدرکی هست لذا از حیز اعتبار و در نتیجه از حیز استدلال و حجیت ساقط می‌گردد لذا ما بدلیل عدم نیاز به استدلال به چنین اجماعی از بیان آن خودداری نمودیم.

۱. محمد بن یعقوب عن حمید بن زیاد عن الخشّاب عن ابن بقّاح عن معاذ بن ثابت عن عمرو بن جمیع از ابی عبدالله قال: امیر المؤمنین (ع): لیس بین الرّجل و ولده ربا. (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۷).

در این روایت حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: که بین پدر و فرزند ربایی وجود ندارد و به تعبیر دیگر اخذ ربا جایز است.

۲. محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن عیسی، عن یاسین الضریر، عن حریر عن زرارة، عن ابی جعفر علیه السلام قال: لیس بین الرّجل و ولده و بینه و بین عبده و لا بینه و بین اهله ربا الخ. (الکلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۴۷).

در این روایت زراره از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمود: بین مرد و فرزندش، بین شخص و عبدش و هم چنین بین مرد و همسرش ربایی نیست.

۲. جواز اخذ ربا بین مولی و عبد

مورد دوم از مواردی که اخذ ربا جایز است و یا به تعبیر دیگر ربا خواری حرام نیست ربای بین بنده و مولی هست که در این مورد هم اگر مولی از بنده علاوه بر مقدار پولی که به بنده اش قرض داده مبلغ بیشتری دریافت کند حرام نیست.

در این مورد هم علاوه بر ادعای اجماع از طرف فقهای اسلامی مبنی بر جواز اخذ ربا نص خاص و به تعبیر دیگر روایات وارده دال بر عدم حرمت ربا هست. که ذیلاً به دو روایت اشاره می‌شود.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَيْسَ بَيْنَ الرَّجُلِ

وَوْلَدِهِمْ رَبًّا - وَ لَيْسَ بَيْنَ السَّيِّدِ وَ عَبْدِهِمْ رَبًّا. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۳۵).

مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمود:

میان مرد و فرزندش وهم چنین بین او و بنده اش ربایی نیست.

۲. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يَسِّ الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ بَيْنَ الرَّجُلِ وَ وَلَدِهِ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ عَبْدِهِمْ وَ لَا بَيْنَ أَهْلِهِ رَبًّا - إِنَّمَا الرَّبُّ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَا لَا تَمْلِكُ. (همان)

در این روایت نیز زرارہ از امام باقر علیه السلام روایت می کند که حضرت می فرماید: بین مرد و فرزندش، بین مرد و همسرش و هم چنین بین مرد و بنده اش ربایی نیست؛ دلیل این عدم وجود ربا را حضرت می فرماید: ربا بین کسانی هست که انسان مالکش نباشد اما فرزند، همسر و بنده یا ملک انسان گفته می شود و یا اینکه در حکم ملک هست فلذا بین انسان و ملک خودش ربایی نیست.

مرحوم شیخ طوسی در کتاب نهاییه اش می فرماید: و لا بین العبد و سیده، لأنَّ مال العبد لسیده در واقع این بیان ایشان عطف به ماسبق هست یعنی همانطوری که بین مرد و فرزندش ربا نیست بین مولی و بنده اش نیز ربا نیست.

دلیل عدم ربا به نظر ایشان این است که در حقیقت مال عبد مال مولایش هست برای این که وقت خود عبد ملک مولی باشد مال عبد نیز به تبع خودش ملک مولی بوده و در نتیجه: یا حکم ربا که حرمت باشد برداشته می شود و یا این که خود ربا برداشته می شود که کیفیت و تفصیل این امر در آخر این تحقیق بیان خواهد شد.

۳. عدم حرمت ربا بین زن و شوهر

مورد سوم از مواردی که در فقه اسلامی و به اتفاق علمای شیعه و سنی از حرمت ربا استثنا شده و اخذ ربا در آن حرام نیست، اخذ ربا بین زن و شوهر است به این معنی که اگر مردی به همسرش پولی قرض داده باشد می تواند بیشتر از مقداری که قرض داده دریافت نماید و هیچ مشکل شرعی ندارد.

دلیل این امر هم اجماع فقهای اسلامی هست و هم روایات وارده در این مورد که ذیلا به

آنها اشاره می‌شود:

۱. شهید ثانی فرموده: ولا بین الزوج و زوجته دواماً و متعةً علی الأظهر. (شهید ثانی،، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - کلاتر)، ج ۳، ص ۴۳۹).

شهید ثانی می‌فرماید که اظهر این است که مطلقاً بین زوج و زوجه یعنی زن و شوهر ربایی وجود ندارد.

۲. مرحوم محقق حلی نیز فرموده: ولا بین الزوج والزوجة. (محقق حلی، مختصر النافع فی فقه الامامیه، ص ۱۲۸).

ایشان نیز بعد از ذکر عدم ربا بین پدر و فرزند می‌فرماید: بین زن و شوهر نیز ربا نیست.

۳. از فقهای معاصر نیز مرحوم امام خمینی رحمته الله می‌فرماید: بین زن و شوهر ربایی نیست. (امام خمینی تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۲۷).

اما روایات

۱. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يَسِّ الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَيْسَ بَيْنَ الرَّجُلِ وَ وَلَدِهِ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ عَبْدِهِ وَ لَا بَيْنَ أَهْلِهِ رِبَاً. (حر عاملی وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۳۵).

در این روایت زراره از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمود: در چند مورد اخذ ربا حلال است که یکی از آن موارد ربای بین مرد و همسرش هست.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ ع لَيْسَ بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَ بَيْنَ الذَّمِّيِّ رِبَاً - وَ لَا بَيْنَ الْمَرْأَةِ وَ بَيْنَ زَوْجِهَا رِبَاً. (همان، ص ۱۳۶).

در این روایت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یکی از مواردی که در آن ربا حرام نیست ربای بین مرد و همسرش هست.

۴. عدم حرمت ربا بین مسلمان و کافر

مورد چهارم و آخرین موردی که اخذ ربا حرام نیست جایی هست که مسلمان از کافر حربی ربا دریافت کند در این مورد نیز علاوه بر اجماع فقها روایات وارده دال بر حلیت اخذ ربا هست

و حتی در بعضی از روایات اخذ ربا از کافر ذمی که خارج از شرایط ذمه باشد هم تجویز شده که ذیلاً ذکر خواهد گردید.

در این که بین مسلمان و کافر حربی ربا نیست هم اجماع فقها قائم شده و هم روایات وارد دلالت بر حلیت اخذ ربا دارد.

اما اجماع

فقهای مثل علامه حلی دارد که: ولا بین المسلم و اهل الحرب. فللمسلم أخذ الفضل فی دار الحرب أو دار الإسلام دون العکس، و یثبت بین المسلم و الذمی علی رأی.

ایشان می فرماید: در چند مورد ربا نیست از جمله بین مسلمان و کافر حربی فلذا مسلمان مطلقاً می تواند از کافر حربی ربا دریافت نماید فرق نمی کند که کافر در سرزمینی باشد که محل جنگ و جدال است و یا این که کافر در سرزمین اسلامی باشد.

و اما دریافت و گرفتن ربا از کافر ذمی مورد اختلاف است که علامه فرموده بنا به قولی اخذ ربا از کافر ذمی اشکال دارد و از فقهای که با ایشان موافق است یعنی اخذ ربا از کافر ذمی را جایز نمی دانند فقیهی مثل شهید اول که فرموده: و یثبت بینه و بین الذمی علی الأشهر. طبق قول مشهور بین مسلمان و کافر ذمی ربا ثابت است یعنی اخذ ربا از کافر ذمی حرام است. (شهید اول، اللعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، ص ۱۱۷)

شهید ثانی دارد که: و یثبت بین المسلم و الذمی علی الأشهر. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۳، ص ۳۲۸).

بنا به قول مشهور بین مسلمان و کافر ذمی ربا هست یعن اخذ ربا حرام هست.

و اما از فقهای معاصر مرحوم امام خمینی را می توان نام برد که با اخذ ربا از کافر ذمی مخالفت نموده اند. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۳۹).

و اما دلیل این عده از فقهای که مخالف حرمت اخذ ربا از کافر ذمی هستند روایت وارد در این مورد است که ذیلاً ذکر می شود:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ ع لَيْسَ بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَ بَيْنَ الذَّمِّيِّ رِبًّا - وَ لَا بَيْنَ الْمَرْأَةِ وَ بَيْنَ زَوْجِهَا رِبًّا.

أَقُولُ: حَمَلُهُ بَعْضُ الْأَصْحَابِ عَلَى الذَّمِّ الْخَارِجِ عَنْ شَرَائِطِ الذَّمِّ لِمَا مَرَّ. (حرعاملی،

وسائل، ج ۱۸، ص ۱۳۶).

در این روایت امام صادق علیه السلام می فرماید بین مسلمان و کافر ذمی ربایی نیست همانطور که بین زن و شوهرش ربا نیست.

صاحب وسائل نکته ای را متذکر گردیده که عبارت از این است که بعضی از فقها مثل علامه حلی روایت را بر موردی حمل نموده و به عبارت دیگر برای توجیه عدم حرمت ربا نسبت به کافر ذمی محملی پیدا نموده و گفته مراد از این کافر ذمی جایی است که خارج از شرائط ذمه باشد. یعنی شرایط حاکم اسلامی را هنوز نپذیرفته و تحت حمایت حاکم اسلامی هنوز قرار نگرفته است. (علامه حلی، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۵، ص ۸۲).

اما روایت:

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ أَهْلِ حَرْبِنَا رِبًا - نَأْخُذُ مِنْهُمْ أَلْفَ دِرْهَمٍ بِدِرْهَمٍ وَ نَأْخُذُ مِنْهُمْ وَلَا نُعْطِيهِمْ. (کلینی، الکافی (ط-الإسلامية)، ج ۵، ص ۱۴۷).

در این روایت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: بین ما یعنی مسلمانان و کافر حربی ربایی نیست یعنی اخذ ربا و گرفتن مال بیشتر حرام نیست یعنی ما مجازیم و می توانیم در برابر یک درهم حتی تا هزار درهم دریافت کنیم ولی به آنها ربا نمی دهیم.

نتیجه این که حرمت ربا و اخذ آن به ادله اربعه ثابت شده است و آثار وضعی فراوانی بر آن مترتب است که بزرگ ترین آنها از کار افتادن بازار تجارت و از رونق افتادن کسب و کار مردم و در نتیجه رکود اقتصادی و پولدار شدن ربا خواران و بیچاره شدن سایر مردم و در نتیجه زیاد شدن فاصله بین فقیر و غنی می گردد و چون این بحث خارج از تحقیق مورد نظر ما بود لذا از پرداختن به آن خودداری نمودیم و بحث ما در این بود که رباخواری و اخذ ربا علاوه بر حرمت شدیدی که دارد مع ذلک مواردی هم در اسلام وجود دارد که به نص صحیح روایت و هم چنین اجماع فقهای اسلامی، از تحت حرمت ربا خارج شده است لذا ما در این قسمت از تحقیق به علت و فلسفه خروج این موارد از تحت حرمت ربا می پردازیم:

فلسفه و تحلیل خروج موارد استثنا شده از عموم حرمت ربا

بحث در کیفیت خروج و چگونگی آن از عموم حرمت ربا است به خاطر این که در این گونه موارد و برای تحلیل و بررسی خروج مورد و یا مواردی از تحت یک عام چهار راه و به عبارت دیگر چهار محمل و کیفیت خروج وجود دارد که عبارت است از:

۱. تخصیص، ۲. تخصص، ۳. حکومت، و ۴. ورود در این قسمت باید دید که خروج موارد استثنا شده از حرمت ربا به کدام یک از این چهار طریق است؟
برای روشن شدن مطلب در ابتدا باید هر یک از حکومت، تخصیص، تخصص و ورود تعریف شود تا روشن گردد که موارد استثنا شده مصداق کدام یک از این اقسام چهارگانه هست؟

۱. تعریف تخصیص

خارج کردن حکمی از تحت موضوع حکم عام را تخصیص می‌گویند و به عبارت دیگر اگر فردی از تحت عام حکما خارج گردد چنانچه مرحوم خوئی فرموده که تخصیص عبارت است از رفع حکم از موضوع بدون تصرف در موضوع ((الواعظ الحسینی، مصباح الاصول، ج ۳، ص ۲۵۰)). در این صورت می‌گویند این فرد تخصیصاً از تحت عموم عام خارج شده است و عام با خروج حکمی این فرد تخصیص خورده است.

بیان دیگر، اگر موردی از نظر موضوع داخل در عام باشد ولی از نظر حکم خارج از عام باشد آن را تخصیص می‌گویند، به عنوان مثال شارع می‌فرماید: در ماه مبارک رمضان بر هر مکلفی روزه گرفتن واجب است، مگر مسافر. در این جا گرچه مسافر هم مکلف بوده و داخل در هر مکلفی هست و موضوع یعنی مکلف بودن و به عبارت دیگر تکلیف شامل مسافر هم می‌شود اما حکم روزه بر او تشریح و تنجیز نشده است و به علت پیش آمدن مسافرت با شرایط خاص خودش این حکم یعنی وجوب روزه از او برداشته شده و چنین اخراجی را تخصیص می‌گویند.

مثال دیگر: اگر گفته شده علما و دانشمندان را گرامی بدارید، مگر فاسقان آنها را در این

مثال گرچه علمای فاسق داخل در عموم علما هست اما به جهت فسقشان حکماً از تحت اکرام علما خارج گردیده.

تطبیق تخصیص در بحث مورد تحقیق این گونه است که بگوییم گرچه عموم حرمت ربا شامل هر زیادگرفتنی بر مبلغ قرضی را می شود لذا بر اساس عموم حرمت ربا زیاد گرفتن زن از شوهرش و بالعکس و هم چنین زیاد گرفتن پدر و فرزند، مولی و بنده و هم چنین مسلمان و کافر مصداق ربا می شود و حرام است ولی به دلیل روایات وارده این موارد حکماً از تحت عموم حرمت ربا خارج شده است به این معنا که در موارد چهارگانه مورد بحث حکم حرمت ربا مترتب نمی شود؛ و گرفتن زیادی حلال شمرده شده است!

۲. تعریف تخصص

خروج حقیقی چیزی از موضوع دلیل دیگر را تخصص می گویند و به عبارت دیگر اگر فردی حقیقتاً از تحت عامی خارج باشد به این نوع از خروج تخصص گفته می شود. مثلاً اگر شارع فرموده باشد که: اکرم العلماء الا الجهال . در این مثال فرد جاهل حقیقتاً از تحت عموم عام علما خارج است .

مثال دیگر: شارع مقدس حکم به حرمت شراب نموده و فرموده: لا تشرب الخمر لانه مسکر . در این مثال شراب حرام است ولی سرکه حلال است و حقیقتاً از تحت حرمت خمر خارج است.

در بحث مورد تحقیق اگر قائل به تخصص شویم به این معنا است که موارد چهارگانه که استثناً شده حقیقتاً از تحت عموم عام ربا خارج است یعنی در این موارد اصلاً ربا صدق نمی کند تا حرام باشد!

۳. تعریف حکومت

مرحوم خوئی در تعریف حکومت می فرماید:

واما الحكومة فهي عبارة عن انتفاء الموضوع لثبوت المتعبد به بالتعبد الشرعی. (الواعظ

الحسینی، مصباح الاصول، ج ۳، ص ۲۵۱.)

حکومت طبق تعریف مرحوم خوئی: عبارت است از: انتفاء موضوع بخاطر ثبوت متعبد به به تعبد شرعی، یعنی دلیل حاکم موضوع دلیل محکوم را به تعبد شرعی نفی می کند ولو این موضوع وجداناً باقی باشد مثل حکومت امارات بر اصول زیرا با وجود اماره موضوع اصول که شک باشد تعبداً از بین می رود ولو این شک وجداناً باقی باشد.

تعریف دیگری هم برای حکومت شده که عبارت از این است که: هرگاه دلیل ناظر مفسر و مبین حال دلیل دیگر از جهت مقدار دلالت باشد، آن دلیل را حاکم و دلیل دیگر را محکوم می گویند و به عبارت دیگر اگر دلیلی دایره دلیل دیگر را توسعه دهد و یا محدود و تضییق نماید حکومت تحقق پیدا می کند، البته این توسعه و تضییق تعبدی هست؛ مثلاً: اگر دلیلی بگوید به والدین خودتان احترام بگذارید، بر طبق این دلیل احترام بر والدین واقعی واجب است، بعد دلیل دیگر وارد شده و بگوید: معلم شما پدر شما هست در این مثال با آمدن دلیل دوم متعلق دلیل اول توسعه پیدا کرده به این معنی که فرزند علاوه بر احترام بر والدین واقعی خودش به معلمش نیز احترام بگذارد، در این مثال دلیل دوم را حاکم و دلیل اول را محکوم می گویند. البته واضح و روشن است که استاد و معلم پدر انسان نیست بلکه تعبداً مورد پذیرش قرار گرفته و حکماً حکم والدین را پیدا نموده. این مثال برای توسعه دلیل محکوم.

اما مثال برای تضییق و نفی دلیل محکوم: مثل این که شارع فرموده: احلّ الله البيع و حرّم الرّبا. اما دلیل دیگر وارد شده چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: لا ربا بین الوالد والولد. در این جا دلیل دوم نافی موضوع و به عبارتی ناظر به موضوع دلیل اول بوده و موجب تضییق دلیل اول گردیده به این معنی که دلیل حرمت ربا شامل پدر و فرزند نمی شود و یا به عبارت دیگر دلیل حاکم موضوع دلیل محکوم را تعبداً نفی نموده نه وجداناً و حقیقتاً.

۴. تعریف ورود

اما ورود عبارت از این است که یک دلیل، موضوع دلیل دیگر حقیقتاً و وجداناً از بین ببرد! مثلاً در علم اصول ثابت شده است که در موضوع اصول عملیه یعنی اصل احتیاط، استصحاب، برائت، و تخیر، شک اخذ شده به این معنی این اصول در جایی جاری می شود که

ما شک داشته باشیم؛ اما با آمدن اماره یعنی روایت و خبر واحد این شک از بین می‌رود و نیازی به جریان این اصول نداریم در این جا گفته می‌شود که امارات بر اصول ورود دارد یعنی با آمدن اماره موضوع اصول وجدانا از بین می‌رود و شکی باقی نمی‌ماند.

تحلیل بحث

در بحث مورد تحقیق ما اگر قائل شدیم که ادله جواز اخذ ربا در موارد استثنا شده بر ادله حرمت ربا ورود دارد به این معنی هست که با آمدن ادله جواز اخذ ربا و زیاد گرفتن در موارد چهارگانه استثنا شده اصلاً ربایی صدق نمی‌کند تا حرام باشد!

اما اگر قائل به تخصیص شدیم به این معنی که روایات وارده در مورد جواز اخذ ربا در موارد که استثنا شده در این صورت نتیجه تخصیص این می‌شود که گرچه موضوع که ربا باشد در موارد مذکور وجود دارد ولی حکم آن که حرمت باشد تعبداً برداشته شده است.

اما اگر قائل به تخصیص شدیم نتیجه این است که در موارد مذکور اصلاً ربایی وجود ندارد و به عبارت دیگر موضوع که ربا باشد اصلاً صدق نمی‌کند و این موارد اصلاً مصداق ربا نیست تا خود ربا و یا حکمش برداشته شود.

و اما اگر قائل به حکومت ادله ربا شدیم معنایش این است که در موارد مذکور ربا تعبداً برداشته شده نه وجداناً و حقیقتاً. لذا در این جا اختلاف است که آیا ادله ربا حاکم است بر ادله حرمت ربا و یا این که این ادله مخصص ادله حرمت ربا هست؟

مرحوم خوئی نظریه حکومت را اختیار نموده و می‌فرماید ادله وارده جواز اخذ ربا در موارد چهارگانه بر ادله حرمت ربا حکومت دارد.

احتمال قوی دیگری که وجود دارد نظریه تخصیص هست که بگوییم در مورد بحث ادله جواز اخذ ربا در موارد چهارگانه تخصصاً از تحت عموم حرمت ربا خارج است در نتیجه در مورد بحث ما حکم ربا که حرمت باشد حقیقتاً و وجداناً خارج است در این موارد اصلاً ربایی وجود ندارد تا اخذش حلال باشد.

دلیل این احتمال هم این است که ربا در آیات یکی از مصادیق ظلم شمرده شده و قبح

ظلم هم یک امر عقلی هست و امور عقلیه تخصیص بردار نیست لذا بهتر است که قائل شویم که در موارد چهار گانه که استثنا شده در واقع و در حقیقت اصلاً ربایی وجود ندارد یعنی تخصص هست چون در سه مورد از چهار مورد اعضای یک خانواده محسوب می شود و ربا بین دو فرد بیگانه محقق می شود نه بین اعضای یک خانواده.

اما در مورد اخذ ربا از کافر حربی مشخص است که گرفتن خود مال کافر حربی جایز است چه رسد به اخذ ربا و زیادی مال او.

نکته دیگر این است که که علت عدم حرمت ربا در موارد استثنا شده چیست؟ و این که خروج موارد مذکور در تحقیق آیا یک امر تعبدی صرف هست و یا این که حکمت دیگری در کار هست؟

در این جا دو احتمال وجود دارد:

۱. یک احتمال این است که این استثنا یک امر تعبدی صرف بوده و روایات وارده در مورد حرمت اخذ ربا در این چهار مورد مخصص و یا حاکم بر عمومات وارده در مورد حرمت ربا هست و یا این که این چهار مورد در واقع و حقیقت تخصصاً از تحت حرمت ربا خارج است احتمال دیگر هم این است که حکمت اینکه در موارد استثنا شده ربا حرام نیست این است که در این موارد در حقیقت و در واقع و نفس الامر، دوئیتی وجود ندارد و به عبارت دیگر بین پدر و فرزند از حیث مالیت و هم چنین از حیث مالکیت دوئیتی نیست به این معنا که مال هر یک مال دیگری نیز هست و به اصطلاح مال و پول در جیب هر کدام که باشد مثل این می ماند که در جیب خودش هست لذا اگر ربایی و دریافت اضافی هم صورت بگیرد انگار از این جیب برداشته و در جیب دیگری گذاشته فلذا آن تبعات زیان آوری که در اخذ ربا وجود دارد که عبار از مختل شدن تجارت و کسب و کار مردم و در نتیجه ایجاد فاصله طبقاتی بیشتر در این موارد وجود ندارد و به عبارت دیگر می توان گفت که ربا بین شخص و غیر و بیگانه است نه بین اعضای یک خانواده که سودی اگر یکی از اعضا ببرد در واقع مربوط به تمام اعضای خانواده است. و هم چنین در مورد زیان. که اگر یکی از اعضای خانواده زیان کند مربوط به تمام اعضا می باشد.

نتیجه

نتیجه‌ای که از این تحقیق به دست می‌آید عبارت از این است که طبق آیات و روایات وارده در مورد ربا شکی در حرمت آن وجود ندارد و این که ربا یک از گناهان کبیره محسوب شده بلکه به شدت بالاتر زیرا طبق برخی از روایات رباخواری مساوی هست با ۷۰ زنای با محارم در خانه خدا.

وَعَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دَرَّاهُمْ رَبًّا أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زُنْيَةً -
كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۳).

به همین دلیل و سایر ادله وارده در این مورد ربا و ربا خواری نه تنها در اسلام بلکه در سایر ادیان نیز بشدت مذمت شده و زیانها و تبعات و آثار زیانبار زیادی دارد که بزرگ ترین این آثار یکی مختل شدن بازار کسب و کار مردم و دیگری ایجاد فاصله طبقاتی هست.

اما در عین حال مواردی هم وجود دارد که به نص روایات وارده استثنا شده یعنی مواردی هم وجود دارد که هم به اجماع فقهای اسلامی و هم طبق روایات وارده اخذ ربا مجاز شمرده شده.

دو دلیل بر تجویز ربا در موارد استثنا شده وجود دارد:

۱. یکی این که قائل شویم به این که در این موارد تعبدا ربا خواری مجاز شمرده شده .
۲. دلیل دیگر این است که ربا معمولا بین دو نفر بیگانه محقق می‌شود و اما بین اعضای یک خانواده یا اصلاً ربایی محقق نمی‌شود و یا اگر هم ربایی باشد در واقع آن آثار سوء و زیانبار را ندارد برای این که سود و زیانی که در رباخواری محقق می‌شد در این موارد محقق نمی‌شود و در حقیقت جیبها یکی هست فلذا حرمت ربا برداشته شده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن قدامه، احمد بن محمد بن قدامه، **المغنی**، تحقیق: الدكتور عبدالله بن عبد المحسن التركي والدكتور عبد الفتاح محمد الحلو، رياض عربستان، دارعالم الكتب، ۱۴۱۷ق، چاپ سوم، جلد، ۶.
- امام خمینی، سید روح الله موسوی، **تحریر الوسیله**، مترجم: اسلامی، علی، قم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تاریخ نشر: ۱۴۲۵ ه ق، چاپ: ۲۱، ج ۲.
- بخش فرهنگی جامعه مدرسین قم، **پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶ ش، ج ۲.
- بروجردی، سید حسین، **جامع احادیث الشیعه**، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۸.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، **مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة**، محقق / مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تاریخ نشر: ۱۴۱۳ ه ق، چاپ: دوم، ج ۵.
- حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، **مختصر النافع فی فقه الامامیه**، تهران، مکتب الاسلامیه، ۱۴۰۲.
- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، ۱۳۴۲ ش، ج ۱۸.
- السید محمد سرور الواعظ الحسینی البهسودی، **مصباح الاصول**، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۲ ق، چاپ اول، ج ۳.
- سید مرتضی، علی بن حسین موسوی، **الانتصار فی انفرادات الإمامیه**، قم، محقق / مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تاریخ نشر: ۱۴۱۵ ه ق، چاپ: اول.
- شهید اول، محمد بن مکی، **اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامیه**، بیروت، ناشر: دار التراث - الدار الإسلامیه، ۱۴۱۰ ه ق، چاپ: اول.
- شهید اول، محمد بن مکی، **اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامیه**، محقق / مصحح: محمد تقی مروارید - علی اصغر مروارید، بیروت، ناشر: دار التراث - الدار الإسلامیه، ۱۴۱۰ ه ق، چاپ: اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقية (المحشی -**

- کلاتر، قم، ناشر: کتابفروشی داوری، تاریخ نشر: ۱۴۱۰ ه ق چاپ: اول، ج ۶.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام* محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ ه ق، چاپ: اول، ج ۳.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، تاریخ نشر: ۱۴۰۹ ه ق چاپ: اول.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ه ق، چاپ: دوم، ج ۳.
- شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*، بیروت - لبنان، تاریخ نشر: ۱۴۰۰ ه ق، چاپ: دوم.
- عابدینی، احمد، *ربا در حالت تورم و سقوط پول*، چاپ اول، اصفهان، انتشارات اقیانوس معرفت، ۱۳۸۸ ش.
- عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، سال چاپ: ۱۴۱۵ ق.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی (ط - الإسلامية)*، محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری تهران، دار الکتب الإسلامية، تاریخ نشر: ۱۴۰۷ ه ق، نوبت چاپ: چهارم، ج ۵.
- مطهری، مرتضی، ربا، بانک، بیمه چاپ اول، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴ ش و ۱۳۸۰ ش.
- مکارم شیرازی ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية، سال چاپ: ۱۳۷۴ ش، چاپ: اول ج ۱۶.
- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، محقق/ مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، بیروت، ناشر: دار إحياء التراث العربی، تاریخ نشر: ۱۴۰۴ ه ق، چاپ: هفتم.

